



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۱۰ اسفند ۸۹

مصادف با: ۲۵ ربیع الاول ۱۴۳۲

جلسه: ۱۹

موضوع کلی: اختلاف قراءات

موضوع جزئی: عوامل اختلاف قراءات

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

اختلاف قراءات:

بحث دیگری که از جمله مباحث مقدماتی تفسیر محسوب می‌شود و از مباحثی است که در فهم و تفسیر آیات قرآن تأثیرگذار است بحث اختلاف قراءات است که به عنوان قراءات سبع هم معروف می‌باشد - این عناوین در کتب قرآنی با تعابیر مختلفی ذکر شده - ، اصل اختلاف قراءات مخصوصاً قرائت‌های رسمی هفت‌گانه چیزی است که الآن در قرآن قابل مشاهده است، قرائت قرآن از اموری بود که از ابتدا به عنوان یک امر مهم تلقی می‌شد و به آن اهتمام داشتند و تعلیم می‌دادند، اساتیدی بودند که به این کار اشتغال داشتند و در رأس کسانی که به تعلیم و ترویج قرائت قرآن می‌پرداختند طبقه اول قرآء هستند که عبارتند از: عبد الله بن مسعود، ابی بن کعب، زید بن ثابت و... که اینها خودشان مصحف‌هایی هم داشتند که در بحث‌های گذشته به آنها اشاره کردیم، طبقه دوم کسانی بودند مثل: عبد الله بن عباس، ابوالأسود دوئلی و... ، طبقات دیگر را هم تا طبقه هشتم با ذکر اسامی مشخص کرده‌اند، این اختلاف قراءات که تعداد آن هفت، ده و چهارده قرائت نقل شده وجود داشته یعنی علی‌رغم اینکه قرآن‌ها یکسان شد باز این اختلاف قراءات وجود داشت که در رسم الخط عثمانی نیز به این اختلاف قراءات اشاره شده بود، در اوائل قرن چهارم هجری ابوبکر بن مجاهد (۳۲۴ - ۲۴۵) که شیخ القراء بغداد بود قرائت‌ها را در هفت قرائت محصور کرد و فقط این هفت قرائت به رسمیت شناخته شد، البته بعد از آن سه قرائت دیگر اضافه شد و برای مرتبه سوم هم چهار قرائت دیگر اضافه شد که به چهارده قرائت رسید اما قرائت‌های رسمی به همین قراءات سبع و قاریان این قراءات هم به عنوان قرآء سبع شناخته شدند.

تعریف قرائت:

قرائت عبارت است از تلاوت قرآن به گونه‌ای که از نص وحی حکایت بکند و مبتنی بر اجتهاد یکی از قرآء مشهور باشد و بر پایه اصول مضبوطی که در علم قرائت وجود دارد استوار باشد.

چند ویژگی در تعریف قرائت وجود دارد:

اولاً: قرائت نوعی تلاوت و خواندن است.

ثانیاً: تلاوتی است که از نص وحی حکایت می‌کند نه اینکه عین نص باشد یعنی عقیده ما این است که آنچه الآن به عنوان قرآن معروف است در واقع حاکی از نص قرآن است چون با این اختلافاتی که در قراءات وجود دارد نص قرآن در اختیار ما نیست و نمی‌دانیم که کدام یک از این قراءات نص قرآن می‌باشد.

ثالثاً: تلاوتی است که مبتنی است بر آنچه که یکی از قراء معروف گفته‌اند.

رابعاً: آنچه را قراء گفته‌اند بدون ملاک نبوده بلکه بر پایه اصول مشخص و مضبوطی بیان شده است.

با اینکه ما مدعی هستیم که در زمان پیامبر جمع زیادی کاتب وحی بوده‌اند و اهتمام زیادی به حفظ و تعلیم قرآن بوده تا جائیکه آیات قرآن را بر روی کتیبه‌ها و الواح و چیزهای دیگر می‌نوشتند ولی باز اختلاف در قرائت پدید آمد. کتابت قرآن در زمان خود پیامبر شروع شده و به طور جدی‌تر بعد از پیامبر گسترش پیدا کرده ولی در دوره عثمان مصحف‌ها یکسان سازی شد حال سؤال این است اگر آنچه که نازل شده یک قرائت دارد پس این اختلاف قراءات از کجا پیدا شده؟ نمونه‌های اختلاف قراءات زیاد هستند که به یک نمونه اشاره می‌کنیم مثلاً آیه شریفه: «مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنِ دِينِهِ»^۱ در بعضی از قراءات به این نحو هم خوانده شده: «مَنْ يَرْتَدُّ مِنْكُمْ عَنِ دِينِهِ»^۲ که در مصحف مدینه و شام «یرتدد» خوانده‌اند و در بعضی از مصاحف دیگر «یرتد» آمده است که نمونه‌های از این قبیل زیاد است سؤال این است که چه چیزی باعث شد این اختلاف‌ها پیش بیاید؟ آنچه که مسلم است این است که قاریان معروف قرآن همان قرآنی را که بر پیامبر نازل شده نقل کرده‌اند اما به دلائلی این اختلافات پیش آمد که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.

دلائل اختلاف قراءات:

الف) یکی از آن دلائل، اختلاف خود مصاحف است که در بحث ادوار تدوین قرآن اشاره کردیم که کار اختلاف مسلمین درباره مصاحف اشخاصی که مصاحف به نام آنها شهرت یافته بود به جایی رسیده بود که در هر جمعی کار آنها به اختلاف و نزاع کشیده می‌شد و این باعث شده بود که صف‌های مسلمین از همدیگر جدا شود و نزاع بین آنها شدید شود پس یکی از وجوه اختلاف مصاحف مسئله اختلاف در قراءات بود که این اختلاف قراءات حتی بعد از یکسان سازی مصاحف هم از بین نرفت، البته اصل ترتیب آیات و سوره در همه قرآن‌ها یکسان است اما بخشی از اختلافاتی که در آیات وجود دارد بر اساس اختلافی است که بین مصاحف وجود داشت که کمیته‌ی یکسان سازی مصاحف هم وقتی که قرآن را یکسان می‌کرد به این جهات اشاره می‌کرد.

ب) دومین عامل این بود که خط به معنایی که بیان‌گر کامل قرائت باشد هنوز مرسوم نبود. در جلسات گذشته اشاره کردیم که حتی خطوط نقطه نداشتند و خط در مرحله ابتدایی بود که نه اعراب داشت و نه نقطه و بعداً که قرآن بهسازی شد خط و نقطه به آن اضافه شد و اشاره کردیم که از چه زمانی نقطه گذاری، اعراب گذاری، بهسازی و زیبا سازی قرآن شروع شد و به مرور گسترش یافت تا اینکه در قرن سوم و چهارم به اوج خودش رسید ولی اوائل، قرآن‌هایی که وجود داشت نه نقطه داشت و نه

۱. بقره/ ۲۱۷.

۲. مائده/ ۵۴.

اعراب داشت و نه حرکاتی که مبین قرائت صحیح باشد لذا هم آن اختلافاتی که در مصاحف وجود داشت و هم نبود علائمی مثل نقطه و اعراب و ابتدایی بودن خطوط باعث شد که اختلاف قراءات بوجود بیاید.

البته اصل قرآن یک چیز بیشتر نیست چنانکه در روایتی از امام صادق(ع) آمده: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَ لَكِنَّ الْإِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرَّوَاهِ» قرآن یکی است و از ناحیهی خدای واحد و یکتا نازل شده اما اختلاف از جانب روات پیدا شده یعنی اختلاف از ناحیه کسانی است که قرآن را نقل کرده‌اند که این مطلب تا حدودی طبیعی می‌باشد چون نحوه گویش‌ها و لهجه‌هایی که در قرائت قرآن داشتند گاهی کلمات را تغییر می‌داد و گاهی خود تلفظ کردن کلمات باعث می‌شد که این اختلافات پیش بیاید در حالی که اصل معنا معلوم بود، پس خود گویش‌ها و لهجه‌های مختلف در اختلاف قراءات مؤثر بوده است مثلاً نمونه‌هایی نقل شده که این قرائت بر اساس این گویش و لهجه است و این قرائت بر اساس گویش و لهجه دیگر عربی است، در زمان یکسان سازی قرآن گاهی اختلافاتی که پیش می‌آمد به کمیته‌ی تدوین قرآن سفارش می‌شد که قرآن را بر اساس لهجه قریش تدوین کنند یعنی با اینکه همه عرب بودند ولی همه از یک منطقه نبودند و گویش‌ها و لهجه‌ها با هم فرق می‌کرد و خود این تعلق به مناطق مختلف باعث می‌شد که نقل‌ها متفاوت باشند و باعث بروز اختلاف شوند، پس اینکه امام صادق(ع) می‌فرماید: اختلاف قرآن از ناحیه روات می‌باشد به این معنا نیست که روات عمداً در قرائت قرآن اختلاف ایجاد کرده باشند و روات به صورت دل‌بخواهی قرآن را قرائت کرده باشند بلکه منظور این است که این اختلاف قراءات تحت عوامل خاصی مثل اختلاف در لهجه و گویش‌ها بوده و یا اینکه در موقع جمع آوری قرآن استناد به شهادت دیگران کرده بودند زیرا اینطور نبوده که کسی در تمام صحنه‌های نزول آیات همراه پیامبر بوده و آیات را از خود پیامبر مستقیماً شنیده باشد و نوشته باشد و معمولاً کسی که هنگام نزول آیه‌ای همراه پیامبر نبود بعداً از دیگران سؤال می‌کرد و آن آیه را می‌نوشت و یا از روی لوح و نوشته دیگران می‌نوشت و فقط مصحف امیرالمؤمنین(ع) هست که مطابق با نص وحی است چنانکه خود حضرت می‌فرماید: تمام آنچه را که من به عنوان آیات قرآن نوشته‌ام به املاء خود پیامبر بوده و بخاطر همین است که می‌گوییم آن مصحفی که امیرالمؤمنین(ع) نوشته اند تنها مصحفی است که منطبق با نص وحی است و هیچ کدام از مشکلاتی که در مصاحف دیگر وجود دارد در آن مصحف وجود ندارد.

خلاصه: پس ما در مجموع می‌گوییم که قرآن واحد است و اختلاف قراءاتی که در قرآن وجود دارد در مرحله اول از ناحیهی خود روات بوده که تحت تأثیر عواملی مثل لهجه و گویش روات و یا استناد به شهادت دیگران بوده است و در مراحل بعدی نبود نقطه و اعراب و سایر علائمی که مبین قرائت صحیح بودند باعث این اختلاف قراءات شد.

بحث جلسه آینده:

آیا قراءات مختلف حجیت دارند یا نه؟ آیا این قراءات سبع تواتر دارند یا نه؟ آیا پیامبر این قراءات مختلف را امضاء کرده‌اند یا نه؟ تکلیف ما نسبت به قراءات مختلف چیست و کدام یک از این قراءات برای ما اعتبار دارد و حجت است؟ پاسخ این سؤالات بحثی است که در جلسه آینده به آن اشاره خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»